

وظایف نیروهای کمونیست در شرایط کنونی

اصغر کریمی

متن سخنرانی در کلاب هاوس که با حضور شش سخنران از سازمان های سیاسی چپ روز ۷ اوت ۲۰۲۱ با عنوان وظایف نیروهای چپ و کمونیست در شرایط کنونی ارائه شد.

با تشکر از رادیو پیام بخاطر دعوتشان و با سلام
به دوستان عزیزى که در اطاق حضور دارند.

نکاتم را سعی میکنم فشرده مطرح کنم که در
فرصت ده دقیقه ای بتوانم بحثم را به جایی
برسانم. قبل از هرچیز من فکر میکنم شروع
بحث از ”وظایف“ که عنوان سخنرانی های
امروز در این کلاب هاوس است، چیز زیادی
را توضیح نمیدهد. در یک تصویر عمومی و در
خطوط کلی کم و بیش معلوم است کمونیست
ها چه میگویند:

باید کارگران را متشکل کرد، اپوزیسیون راست
را باید افشا و منزوی کرد، کمونیست های باید
نفوذ سیاسی و ابعاد تشکیلاتی بالایی داشته

باشند و تلاش کنند که در انقلاب هرژمونی داشته باشند و چند خال دیگر. نهایتاً هر کمونیستی با تاکیداتی متفاوت این احکام کلی را خواهد گفت. همه اینها درست است اما مساله این است که چگونه این احکام عملی میشود؟

بنظر من مساله کلیدی متدولوژی است. متدی که سراغ این مساله میرویم. با یک متد این احکام میتواند متحقق شود و با یک متد نمیتواند.

من چند تز که به متدولوژی ما مربوط میشود را توضیح میدهم که از آنجا به وظایف هم برسیم. سعی میکنم از مسائل عام و کلی به جنبه های عملی مساله و یا همان وظایفی برسیم که امروز

در مقابل ما قرار دارد.

فکر میکنم الان کم و بیش همه کمونیست ها و شاید همه جریانات سرنگونی معتقدند جمهوری اسلامی سر از این بحران بیرون نمیآورد و با یک انقلاب سرنگون میشود. اما چه انقلابی؟ و چگونه قرار است بعنوان یک جریان کمونیست در این انقلاب نقش ایفا کنیم تا هژمونی بدست بیاوریم؟ موقعیت فعلی کمونیسم چیست؟ چقدر نیروی کمونیستی توانایی کسب موقعیت بعنوان رهبر انقلاب و شکل دادن به جامعه بعدی را دارد؟ در مورد اینها است که بخاطر تفاوت متدها، راه حل های کاملاً متفاوت هم مطرح میشود.

اجازه بدهید ابتدا اعلام کنم که من و کلا حزب ما اعتقادمان این است که کمونیسم (یا مشخصاً کمونیسم کارگری) یک جریان بسیار قوی و ریشه دار در جامعه است. در جنبش های اعتراضی کاملاً دست بالا دارد، تاکتیک ها و سیاست هایش در بعدی وسیع و اجتماعی حقانیتش ثابت شده است. معتقدیم جامعه هر روز بیشتر به چپ چرخیده و مخصوصاً در سه سال گذشته حقانیت کمونیسم و انقلاب را بیش از پیش مورد تاکید قرار داده و این اپوزیسیون بورژوایی است که بحران عمیقی دارد و راه حل هایش بی اعتبار شده. رژیم چنج، نافرمانی مدنی، دخالت نظامی، رفراندم قانون اساسی و راه حل های مسالمت آمیز که منظور راست مخالفان با انقلاب است، بویژه با خیزش های

مردم در سه سال گذشته پوچی خود را آشکار کرده و ستون فقرات راست که سلطنت طلبی بود و رضا پهلوی سمبل آن کمرش شکسته است. با انصراف رضا پهلوی از ادعای پادشاهی دیگر سلطنت طلبی هم معنی اش را از دست داد و محافل و سازمانهای این جنبش هم دیگر مفهوم خود را از دست دادند. ما معتدیم طبقه کارگر قدم های مهمی در مسیر چپ و در جهت متشکل شدن برداشته و ثقل سیاسی بالایی در جامعه پیدا کرده. یک جنبش عظیم ضد مذهب در جامعه شکل گرفته که فوق العاده مهم است. همینطور، همبستگی وسیعی که در جامعه نسبت به جنبش های مختلف وجود دارد از دیدگاهی چپ است و بخاطر کمونیسمی است که در تار و پود جامعه ریشه دوانده و

در اعتراضات حق طلبانه فعالترین نیرو بوده است. اگر اپوزیسیون بورژوازی دست بالا داشت گفتمان های جامعه هم مبتنی بر ارزش های سیاسی و مطالباتی آنها بود ولی برعکس است ال جی بی تی کیوها و مادران دادخواه هم اول مه پیام همبستگی با کارگر میدهند و حتی جریاناست راست مدام از کارگر و حتی انقلاب کارگری حرف میزنند. و بنابراین از نظر ما کمونیسم در شرایط کنونی این موقعیت را بالقوه و بدرجه زیادی بالفعل دارد که سکان انقلاب آتی را بدست بگیرد و کمونیسم را در این جامعه عملی کند. این نکته مهمی است که مهر خود را به وظایف هم میزند.

اما از این مساله که بگذریم، سوال اساسی

این است که طبقه کارگر حزبش را برای چه میسازد؟ برای اینکه خلوص ایدئولوژیک پیدا کند؟ برای اینکه صف مستقل خودش را درست کند؟ برای اینکه صاحب برنامه باشد؟ بله همه اینها هست اما اصل مساله این است که حزب را میسازد که کل جامعه را در مقابل طبقه حاکم نمایندگی کند. تاکید میکنم کل جامعه را و نه فقط کارگر را.

و خوشبختانه فعالین و تشکل های کارگری در سالهای اخیر بیش از گذشته پرچم دفاع از خواست های نه فقط کارگران بلکه کل جامعه را برافراشته اند از مقابله با تبعیض علیه زنان تا علیه اعدام و دفاع از آزادی های سیاسی، دفاع از محیط زیست و حقوق کودک و غیره.

و کارگر هفت تپه پرچم واکسیناسیون رایگان و همگانی را بلند میکند و علیه محدودیت اینترنت شعار میدهد. یا وکلا و روزنامه نگاران و نویسندگان و هنرمند و غیره حکومت را بخاطر سرکوب مردم خوزستان محکوم میکنند یا از اعتصاب نفت حمایت میکنند، از مادران و خانواده های دادخواه حمایت میکنند.

حول بسیاری از خواست های عادلانه جنبش های اجتماعی شکل گرفته اند که خواست ها و چهره ها و تشکل های خود را دارند و این یک نقطه قوت مهم جنبش سرنگونی و جنبش آزادیخواهی است. به یک معنی جامعه ایران الان در مقایسه با چند سال قبل تعیین خیلی بیشتری یافته و اینها شرایط ویژه و جالبی

در ایران ایجاد کرده اند که با همه جای دیگر جهان متفاوت است.

از همینجا کلی وظیفه در مقابل یک حزب که خودش را متعلق به طبقه کارگر میداند، قرار میگیرد. حزبی که بخواهد جامعه را نمایندگی کند لازم است از هر اعتراض حق طلبانه ای پشتیبانی کند و نه فقط پشتیبانی بلکه در راس آن حرکت ها قرار بگیرد و پرچمدار خواست های اقتصادی و سیاسی بخش های مختلف مردم تحت ستم بشود. علیه ظلمی که به یک بهایی میشود تا علیه حجاب اجباری یا ظلمی که به رنگین کمان ها میشود یا هر ظلم دیگری به هر بخشی از مردم، باید این حزب حرف روشن داشته باشد و دخالت میدانی بکند. امر حق

طلبانه شان را لانسه کند، در سطح بین المللی
برایشان کاری بکند، کارزاری سازمان بدهد یا
رسانه ای در اختیار آنها قرار بدهد که بهایی
تحت ستم و زن تحت ستم و همجنس‌گرای
تحت ستم، این حزب را از هر جریان دیگری
بخودش نزدیک تر ببیند. در عمل ببیند که این
حزب بهتر از هر حزب دیگری دارد خواست
حق طلبانه او را در مقابل حکومت نمایندگی
میکند. بنظر من فقط از این طریق است که
میتوان رادیکالیسم را هم در میان این جنبش
ها تقویت کرد، شعارهای انحرافی را تضعیف
کرد، خط و جهتی که اپوزیسیون بورژوایی در
این جنبش ها ایجاد میکند را تضعیف کرد و
محبوبیت کمونیسم و یک حزب کمونیستی را
در میان آنها تقویت کرد.

بعضی از جریان‌ها چپ این را قبول ندارند یا در عمل کاری به آنها ندارند. فکر میکنند باید جنبش‌ها سوسیالیستی باشند و فعالین و رهبران‌شان سوسیالیست باشند که قابل حمایت باشند. یا میگویند اینها ناخالصی دارند و دست و دلشان برای دخالت در آنها و حتی اسم بردن از آنها یا از چهره‌های آنها می‌لرزد. آنها را شبیه جنبش‌های سیاسی طبقاتی میدانند و با اینکار عملاً این جنبش‌ها را به راست می‌سپارند.

ولی ما بین جنبش‌های اعتراضی و حق طلبانه با جنبش‌های سیاسی طبقاتی تفاوت اساسی قائلیم. جنبش‌های زن‌امرش‌رهای زن است

و باید تقویت شود. ممکن است اکثر اعضای این جنبش و رهبران‌ش سوسیالیست نباشند و امرشان سوسیالیسم نباشد، اینطوری هم هست. کلا جنبش‌های اجتماعی مختلف سوسیالیست نیستند. ولی یک امر عادلانه دارند. جنبش علیه اعدام امرش پایان دادن به اعدام است. شما اگر بگویی صبر کن یا همراه من بیا تا سوسیالیسم که اعدام ممنوع میشود یا بگویی اولویت من این نیست، یا سوسیالیستی نیست و عملا دخالتی نکنی میگوید خدا حافظ شما میروم سراغ حزبی که در مقابل اعدام همین الان از من دفاع کند و امر مرا تقویت کند. حتی اگر راست باشد. جنبش‌های اجتماعی معیار تصمیم‌گیری‌شان ایدئولوژیک نیست. سیاسی است.

در مورد جنبش کارگری هم عینا این صادق است. یعنی اینطور نیست که کارگران همه یا اکثریتشان سوسیالیست میشوند و آنوقت حزبشان میتواند پیروز شود. حزب کمونیستی در جنبش کارگری هم اگر نشان ندهد که از منافع آنها همین الان بهتر از هر کس دیگری حمایت میکند به آن اعتماد نمیکند.

ما شعار خیابانی علیه اپوزیسیون بورژوایی سرنگونی طلب را نقطه مقابل این متد میدانیم و آنرا بشدت برای امر سرنگونی و برای امر کمونیسم و ایمیج کمونیسم مضر میدانیم. اینکار هم مبارزه علیه جمهوری اسلامی را تضعیف میکند و هم به اپوزیسیون بورژوایی

که تلاش میکند مدعی نمایندگی همه مردم بشود، مشروعیت میدهد.

در خیابان و در کار میدانی، همه شمشیرها باید علیه قدرت حاکم باشد. کارگران و معلمان و غیره خوشبختانه راه درستی میروند. یعنی کلا چه جنبش کارگری که ستون فقرات جنبش آزادیخواهی و جنبش سرنگونی است و چه جنبش های اعتراضی دیگر در عمل متد درستی دارند. همان متدی را دارند که ما نمایندگی میکنیم.

این مبنا و اساس کار و دلیل وجودی و محور استراتژی یک حزب کمونیستی کارگری است که امرش این است که در یک کشور

حکومت بورژوازی را ساقط کند و جامعه ای
سوسیالیستی بنا کند. اساس کار ما اینست
که کل جنبش ها و نیروهای حق طلب را علیه
جمهوری اسلامی بسیج کنیم و موانع سر راه
این امر را کنار بزنیم.

یک مساله دیگر وظیفه ما در مقابل اپوزیسیون
بورژوازی است. یک مساله نقد تفکر و ایدئولوژی
و آرمان ها و مقدسات این جنبش و منزوی
کردن آن است که یک امر روتین و دائمی ما
است و یک وجه مهم دیگر کار ما مقابله با
آنها است در امر پیشروی انقلاب و جنبش
سرنگونی. مقابله با سازش هایی که میکنند،
راه حل ها و تاکتیک های انحرافی و شعارهایی
تفرقه افکنانه ای که مطرح میکنند، ...

نکات دیگری هم هست از جمله اینکه در بعد بین‌المللی باید دولت‌ها را تحت فشار قرار داد که جمهوری اسلامی را بایکوت کنند و با آن مماشات نکنند. یا دسترسی به جامعه، تحت فشار قرار دادن رسانه‌های بورژوازی برای انعکاس صدای مردم، یا داشتن رسانه‌ای که جنبش کارگری و سایر جنبش‌های حق‌طلبانه و سرنگونی‌طلب را پوشش بدهد. اینها ایمیجی از کمونیسم میدهد که حیاتی است. صرفاً با احکام و تبلیغات نمیتوان به جایی رسید. یک حزب کمونیستی باید ایمیج لازم را هم داشته باشد که توجه مردم را بتواند به خود جلب کند.

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام